

واژگان گویش‌ها در حماسه‌های ملی ایرانی

دکتر کرم علی‌رضایی (ه - کاسیان)

K_alirezaei@yahoo.com

زنگنه

نشر زنگنه

ilamzagro@gmail.com

چاپ اول

۱۴۰۲ خورشیدی

به نام اهورای گیهان و هُور
که پاینده باشید با سُور و سُور
(ه. کاسیان)

www.ketab.ir

پیش کش به:
فردوسی بزرگ، فرزانه توس که
خداوندگار حماسه‌های ماندگار است.

www.ketab.ir

شناسنامه کتاب

عنوان: واژگان گویش‌ها در حماسه‌های ملی ایرانی

تألیف: دکتر کرم علیرضایی؛

طرح جلد: لیلا دهبالایی

شمارگان: ۱۰۰۰ جلد

بها: ۲۶۵ هزار تومان



ناشر: زاگرو- ایلام- ۲۴متری اشرفی اصفهانی: کوچه سوم، پلاک ۲۱۷

سرشناسه: علیرضایی، کرم، ۱۳۳۹،
عنوان و نام پدید آور: واژگان گویش‌ها در حماسه‌های ملی ایرانی /
تألیف: دکتر کرم علیرضایی (ه. کاسیان):
مشخصات نشر: ایلام: انتشارات زاگرو، ۱۴۰۲
مشخصات ظاهری: ۲۶۸ ص:،
شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۷۹۳۱-۵۲-۵
وضعیت فهرست نویسی: فیبا
موضوع: ادبیات حماسی ایرانی -- تاریخ و نقد
Epic literature, Iranian-- History and criticism موضوع
موضوع: فارسی -- گویش‌ها -- واژه‌نامه‌ها
Persian language -- Dialects – Dictionaries: موضوع
موضوع: شعر فارسی -- مجموعه‌ها -- تاریخ و نقد
-- History and Persian poetry -- Collections: موضوع
criticism
رده بندی کنگره: PIR۳۵۹۵
رده بندی دیویی: ۳۰۹ / ۱۳th
شماره کتاب‌شناسی ملی: ۹۲۴۸۴۴۲
اطلاعات رکورد کتاب‌شناسی: فیبا

واژگان گویش‌ها در حماسه‌های ملی ایرانی
طرح جلد: لیلا دهبالایی
چاپ اول
شمارگان: ۱۰۰۰ جلد

.....	آغازینه	۷
.....	حماسه چیست و آثار حماسی ملی ایرانی کدامند؟	۱۵
.....	ویژگی های یک اثر حماسی ملی	Error! Bookmark not defined.
.....	عوامل اثر گذار در پیدایش حماسه های ملی ایرانی	Error! Bookmark not defined.
.....	آثار حماسی ملی ایرانی	Error! Bookmark not defined.
.....	۱- گشتاسپ نامه دقیقی توسی:	Error! Bookmark not defined.
.....	۲- شاهنامه فردوسی:	Error! Bookmark not defined.
.....	۳- گرشاسپ نامه:	Error! Bookmark not defined.
.....	۴- بهمن نامه:	Error! Bookmark not defined.
.....	۵- فرامرزنامه:	Error! Bookmark not defined.
.....	۶- کوش نامه:	Error! Bookmark not defined.
.....	۷- بانو گشسپ نامه:	Error! Bookmark not defined.
.....	۸- برزنامه:	Error! Bookmark not defined.
.....	۹- شهریارنامه:	Error! Bookmark not defined.
.....	۱۰- جهانگیرنامه:	Error! Bookmark not defined.
.....	۱۱- سام نامه:	Error! Bookmark not defined.
.....	دانش گویش شناسی و ادبیات فارسی	Error! Bookmark not defined.
.....	فصل دوم	Error! Bookmark not defined.
.....	واژگان	Error! Bookmark not defined.
.....	واجگان (آ- ا)	Error! Bookmark not defined.
.....	واجگان (ب، پ، ت)	Error! Bookmark not defined.
.....	واجگان (ج، چ، خ)	Error! Bookmark not defined.
.....	واجگان (د، ر، ز، ژ)	Error! Bookmark not defined.

- Error! Bookmark not defined.** (س، ش، غ)
- Error! Bookmark not defined.** (ف، ق، ک، گ)
- Error! Bookmark not defined.** (ل، م، ن، و، ه، ی)
- Error! Bookmark not defined.** کتاب‌نامه

آغازینه

نخست آفرین باد بر کردگار

اهویرای دانا و پروردگار

هرچه آگاهی ادبی نگارنده فزونی می‌یافت و در آثار ادب فارسی، به‌ویژه شاهنامه و دیگر آثار حماسی، گرایشی به ژرف‌کاوی بیش‌تر می‌یافتم، میان پاره‌ای از واژه‌های گویش‌ها و زبان‌های ایرانی چون: لری، کردی، لکی، گورانی، تبری، بلوچی و دیگر گویش‌های بومی و گفتار بزرگان ادب پارسی، پیوندی استوار یافتم و دریافتم که در این گویش‌ها، واژگانی به گونه‌ی کهن خویش به کاررفته است که هنوز از آن‌ها بوی دیرینگی و استواری و تمامی عهد سامانیان و دیرینه‌تر به مشام می‌رسد و همچنین واژگانی یافت می‌شود که با دیگر گونی اندکی در برخی آواهای آن‌ها، بدنه‌ی کلی و ریشه‌ی اصلی کهن آن‌ها به یادگار مانده است.

شاید واژه‌هایی که در زبان مردم بومی سرزمین‌های کهن ایران جاری‌اند، در ظاهر، خیلی ساده و بی‌پیرایه به نظر برسند، ولی همین واژگان به‌ظاهر ساده، یادگارهای گران‌بهایی از اندیشه و احساس کسانی سرچشمه گرفته است که سال‌ها، عمر گران‌مایه‌ی خویش را در راه حفظ و نگهداری و انتقال آن‌ها به نسل‌های پس از خود به کار بسته‌اند و هم‌اکنون، هنگامی این واژه‌ها به‌خوبی کاویده شوند، ریخت و ساختارشان از دیرینگی آنان حکایت دارد و به‌درستی با زبان‌های اوستایی، پهلوی و زبان کهن شاهنامه و آثار کهن ادب فارسی، پیوندی ژرف دارند.

«شاید علت قوام و استحکام و توانایی زبان دری، در طول بیش از هزار سال، همین نکته باشد که در این رودخانه (زبان رسمی کشور)، زهاب و تراوش هزاران جویبار مختلف (لهجه‌ها و گویش‌ها) را می‌توان مشاهده کرد. واژه‌های سغدی، خوارزمی و... که در حوزه‌ی واژگان این زبان دیده می‌شود و بسیاری واژه‌های دیگر که امروز در متن

این زبان جاری است و ممکن است ندانیم از کدام لهجه، در آغاز، داخل زبان دری شده است» (شفیعی کدکنی، ۱۳۵۲: ۶).

گویش‌ها و زبان‌های بومی، چشمه‌هایی هستند که به حرکت و پویایی این رودخانه بزرگ و شطّ پهن‌آور زبان فارسی کمک کرده‌اند؛ و هویت زبانی این گویش‌ها، از دیدگاه زبان‌شناسی، یک واقعیت تاریخی را بیان می‌کند و می‌توان گفت که یک زبان، محصول و زادهٔ زبان دیگری است و تمام زبان‌هایی که بدین روش، مولود زبان واحدی باشند، خویشاوند خوانده می‌شوند. گویش‌ها و زبان‌هایی که در گسترهٔ ایران زمین که هم‌اکنون گویشورانی، بدان‌ها سخن می‌گویند، زائیدهٔ خویشاوندی خود با زبان فارسی کهن هستند و در روند تاریخی آن، فرزندان زار و نحیفی از این گویش‌ها باقی مانده و نیاز است که به بهانه‌های گوناگونی چون تطبیق و مقایسه با واژگان شاهنامه و دیگر آثار حماسی و دیگر متون کهن فارسی بازشناخته شوند تا پیوند اصلی گویش‌ها و زبان‌های وابسته به درخت تنومند زبان فارسی آشکار شود؛ زیرا برخی از این گویش‌ها همچون لری، لکی، کردی، تبری، بلوچی، سمنانی و خراسانی از پاک‌ترین شاخه‌های گهربار زبان‌های کهن ایران زمین و از دیرینه یادگارهایی از زبان‌های باستانی این مرزوبوم به شمار می‌آیند.

مردمان این سرزمین‌ها، اقوامی هستند که زبان‌شناسان و دانشمندان فنّاور، جملگی برانند؛ چون بسیاری از واژه‌ها و ترکیب‌هایی که در زبان فارسی کنونی، دوارز ذهن یا بدون استفاده یا این که از میان رفته‌اند، در چنین زبان‌ها و گویش‌هایی یافت می‌شوند و جای مباهات است که پس از سپری شدن چندین سدهٔ پرفرازونشیب، این زبان‌های محلی توانسته‌اند که از ارکانی خلل‌ناپذیر برخوردار باشند و روح واقعی و چهرهٔ حقیقی خود را، راست‌قامت نگهدارند و چراغ‌هایی برای افروختن واژگان کهن زبان فارسی به شمار آیند.

پناهی سمنانی، درباره کارکردهای گوناگون گویش‌های بومی می‌نویسد: «گویش‌های محلی نه همین گنجینه غنی و پر بار از واژگان و زبانزدها و کارکردها و کاربردهای زبانی در مجموعه میراث فرهنگی ملی ما به شمار می‌روند، بلکه در همان حال، آگاهی شگفت و جالب و پر ثمری از زندگی اجتماعی، روابط درونی خانواده و جامعه، ابزار و آلات زندگی، چرخه تولید، روابط کار، شیوه‌های معیشت و فناوری‌های سنتی مربوط به آن، رابطه با سازوکار محیط پیرامون و ده‌ها گونه از بسترهای شناخت را حامل هستند (شاه‌حسینی، ۱۳۸۴: ۱۴)

حمید فرزام، در راستای ارزشمندی و حفظ زبان‌های بومی فرموده‌اند: «نکته جالب توجه این که برخی از لغات و ترکیبات اصیل پارسی که در قرون و اعصار گذشته برای فرهیختگان ایرانی، واژه‌ها و الفاظی متداول و مصطلح بوده، باگذشت زمان، رو به فراموشی نهاده و برای بعضی از مردم پارسی‌زبان، نامأنوس گردیده است، تا آنجا که پاره‌ای از این گونه لغات که هم‌اکنون در لهجه تخاطب اهالی بعضی از شهرهای ایران‌زمین به کار می‌رود و از لحاظ ادبی، ارزشمند است، برای مردم دیگر نواحی این سامان، احیاناً نامفهوم می‌نماید؛ مانند کلمه «توریلدن» (تولیدن)، به معنی رمیدن و دور شدن و نفرت داشتن؛ و «پرماس کردن»، به معنی دست دراز کردن و برجایی سودن و لمس کردن؛ و «تلواسه»، به معنی بی‌قراری و اضطراب و «تاسیدن»، به معنی بی‌حال شدن و از هوش رفتن و نظایر این‌ها. در فرهنگ‌ها و کتب لغت در زمره واژه‌های اصیل فارسی، ثبت و ضبط شده و بعضی از آن‌ها در آثار منظوم و منثور قدیم نیز به کاررفته و برای طالبان علم و پژوهندگان این گونه معانی به یادگار مانده است» (فرزام، ۱۳۸۰: ۳۱۰).

با نگاهی گذرا به گویش‌های یک‌زبان، چون کردی، لری و لکی، متوجه همانندی‌هایی، گاه بسیار شگفت‌انگیز میان آن‌ها می‌شویم. این همانندی‌ها، نتیجه عوامل گوناگونی

است که از جمله مهم‌ترین آن‌ها، همگانی‌های زبانی و خویشاوندی‌های تاریخی و قرض‌گیری‌های فرهنگی و زبانی است.

ابراهیم پورداوود، در راستای حمایت از پژوهش‌های گویشی زبان فارسی، می‌فرماید: «اگر در گویش‌های ایرانی، آن‌چنان که باید بررسی شود و واژه‌ای از گویش سرزمینی با واژه برابر آن، در گویش سرزمین دیگر سنجیده شود، خواهیم دید که یک‌رشته از واژه‌هایی که در سراسر ایران پراکنده است و به نوشته نمی‌آید و از لغت‌های عامیانه خوانده می‌شود، درست است و ریشه و بن چندین هزارساله دارد و بسا برابر آن‌ها در کهن‌ترین آثار کتبی ایران مانند اوستا یافت می‌شود و خویشاوندی آن‌ها با زبان آریایی سانسکریت و زبان‌های دیگر هندواروپایی هویدا است. باید لغتی را که در طی هزاران سال از پشت‌به‌پشت دیگر در سر زبان‌های مردم این دیار بوده، کمتر از دهنه‌اسبی و یا دندان فیلی بشمرده و نه کم‌بهاتر از پاره سفالی و شیشه شکسته‌ای، آن‌ها را باید گردآورند و در کتابی نگاهداری کنند» (پورداوود، ۱۳۸۶: ۶۷).

واژه‌های زبان فارسی در آثار حماسی ملی، به‌ویژه شاهنامه فردوسی، بیش از هزار سال است که از بیان شگفت‌انگیز و حماسی سراینده آن‌ها حکایت می‌کنند. تاریخ پرفرازونشیب کمتر شاعری در ادب پارسی همانند فردوسی یافت می‌شود که چنین حماسه شگفت‌آوری را از دل اسطوره‌ها برآورد. شاهنامه فردوسی، آینه تمام‌نما و جام‌جمی از آرزوهای مردم بافرهنگ و فرهیخته‌ای است که خواسته‌اند در طول تاریخ پر از ناسازهای این جهان، خوب باشند و خوب زندگی کنند و شاهنامه، این کتاب سترگ، بارزترین جلوه‌گاه هنر و ملیت و روح پرشکوه فرهنگ ایرانی و نقطه‌اوج حماسه‌های ملی ایران که همچون تهمتن سترگ در پهنه ادبیات ایران و جهان، قد برافراشته است و در شمار زیباترین و فخیم‌ترین آثار حماسی ملت‌های جهان به شمار رود و این‌گونه حماسه‌ها توانسته‌اند که با زبان حماسی خود، مردانگی، پهلوانی، خوبی‌ها و ایرانی بودن را به‌درستی، فریاد بزنند.

فضل‌الله رضا، در راستای ارزش والای فرهنگ ایرانی گفته‌اند: «اگر بخواهیم روی کره زمین، قومی به نام ایرانی، وجود زنده و پایدار داشته باشد، باید فرهنگ سنتی آن قوم را پیوسته پاسداری کنیم. مهم‌ترین عاملی که قوم ایرانی را از دیگر اقوام متمایز می‌کند، فرهنگ ملی ایران است» (ستوده، ۱۳۷۴: ۷۰). این پژوهش اندک، نشان می‌دهد که گویش‌های ایرانی، تا چه اندازه اصالت دارند و پیوستگی آن‌ها را با آثار کهن زبان فارسی به اثبات می‌رساند و بیانگر این نکته است که این گویش‌ها، ویژگی‌های زبان‌های دیرینه فارسی را، در خود نگه داشته است و هرچند زمان، یغماگر بی‌رحمی است و اندک روح حقیقی این زبان‌ها را دگرگون خواهد ساخت و روزی فرامی‌رسد که چنان دُرَدانه‌های دل‌بندی را باید به خاک سپرد و به دنبال آن، نامی و نشانی از این گویش‌ها باقی نخواهد ماند، شاید چنین مجموعه‌هایی اندک، بتواند یادگارهایی از زبان نیاکان ما را به ثبت برساند و برای نسل‌های آتی و زبان فارسی سودمند واقع شود.

و اما:

- ۱- در این مجموعه، «۱۰۰» واژه و ترکیب، از حماسه‌های ملی، با گویش‌های بومی ایرانی تطبیق داده شده است که برخی از این واژگان در این آثار، یا به‌درستی معنی نشده یا این که اشتقاق و ریخت‌شناسی این گونه واژه‌ها تاکنون به‌گونه‌ای بایسته، به اثبات نرسیده است، همچون: مُل، مکیس، تُور، دار و بُرد، گَرُود و...
- ۲- در مقایسه میان وجوه مشترک زبان حماسه‌ها با گویش‌های ایرانی، کمبود معنایی برخی از واژگان این آثار سترگ به‌ویژه شاهنامه آشکار می‌شود و می‌توان با این مقایسه به مفهوم درست برخی ابیات آن‌ها پی برد.
- ۳- در مقایسه میان آثار حماسی و گویش‌های متداول ایران، واژه‌هایی یافت می‌شوند که در معنی و آوا با واژگان این آثار، یکسان هستند.

۴- واژه‌های اصیلی در این آثار وجود دارد که به همان سبک و سیاق کهن خود در زبان مردم به‌ویژه عشایری که سخن آنان، دست‌نخورده و اصیل باقی‌مانده، متداول است.

۵- باتوجه‌به این‌که زبان‌های محلی به زبان پارسی میانه پیوند می‌خورند و زبان این آثار به‌ویژه شاهنامه نیز همان زبان کهن پارسی را دارند، بنابراین، میان زبان‌های بومی و زبان شاهنامه، پیوند کهنی برقرار است و همین امر، نشانگر نشانه‌های آشکار و همانند در این زبان‌هاست و در این پیوند، زبان‌های لری، کردی و لکی، سیستانی، بلوچی و تبری از دیگر گویش‌ها و زبان‌های محلی، بارزتر و پیوند آن‌ها با زبان حماسه‌ها، استوارتر است.

۶- یکی از علل مهمی که واژگان شاهنامه فردوسی تاکنون در زبان قبایل گوناگون کشور به‌ویژه لرها، کردها و لک‌ها باقی‌مانده، این است که می‌توان به پیوند عمیق فرهنگ ایلیاتی مناطق لرنشین و کردنشین با شاهنامه اشاره کرد که نوعی پیوستگی فرهنگی میان این اقوام و شاهنامه در طول حیات این قبایل وجود داشته است که به برخی از آن‌ها اشاره می‌شود:

* اسطوره‌ها و داستان‌های شاهنامه در میان اقوام گوناگون ایرانی به صور گوناگون روایت شده‌اند که بیان این ویژگی‌ها در فرهنگ مردمان کرد و لر، نیاز به فصل مُشبعی دارد.

* مکان‌های زیادی در مناطق لر و کرد وجود دارد که نام‌گذاری آن‌ها را به یکی از شخصیت‌های شاهنامه نسبت داده‌اند، چون روستای گیو، در پیرامون بیرجند و قلعه سفید، دژ سفید، کوه توس، پل زال، تل زال، رود زال و... که در این مناطق نامبردار شده‌اند.

* مردم کوچ‌روی ایرانی، از روزگاران کهن تاکنون، پیوند عمیقی با شاهنامه دارند که برای نام‌گذاری فرزندان خود، از نام‌های اسطوره‌ای و پهلوانی شاهنامه بهره می‌جویند

و حتی در نام‌گذاری طایفه‌ها و تیره‌های عشیره‌ای خود نیز از پهلوانان شاهنامه مدد می‌گیرند.

* برخی از بزرگان این سرزمین‌ها به شاهنامه‌خوانی عشق می‌ورزیده‌اند و تمامی ابیات شاهنامه را در میان جمع، با آوازی پهلوانی و به‌گونه‌ای روایی می‌سروده‌اند و این ویژگی در میان تمامی طوایف کردنشین و لرنشین معمول بوده است. «جواد صفی‌نژاد»، در راستای اهمیت شاهنامه در مناطق لرنشین کهگیلویه و بویراحمد می‌نویسد: «در کهگیلویه و بویراحمد، جهت دست‌یافتن به شاهنامه‌خوانان، در غارت‌ها، گاه، دیده می‌شد که آدم‌های با سواد را، می‌دزدیدند تا برایشان در جنگ، شاهنامه‌خوانی کنند و به او، زن، مال و دارایی می‌داده‌اند. اما در زمان رضاشاه که عشایر با سلاح شاهنامه، مسلح شده بودند، در سال ۱۳۱۲ خورشیدی، دستور منع شاهنامه را در ایلات و عشایر صادر کردند و امنیه‌ها به تفتیش چادرها و خانه‌ها پرداختند و هر خانه‌ای که شاهنامه در آن بود، توسط امنیه‌ها محاصره می‌گردیدند و زدوخورد آغاز می‌شد و در صورت پیروزی، شاهنامه را می‌بردند» (صفی‌نژاد، ۱۳۸۱: ۵۷۸-۵۷۷).

* از دیگر عواملی که عشایر لر و کرد، به شاهنامه‌خوانی عشق می‌ورزیده‌اند، روحیه سلحشوری و جنگاوری آنان بوده که اشعار شاهنامه به‌گونه‌ای، بیانگر اندیشه پهلوانی آنها بوده است که در بزم و رزم، از فرهنگ پهلوانی آن بهره می‌برده‌اند. می‌توان گفت که شاهنامه، آینه تمام‌نمایی از کردار، گفتار و پندار آنان بوده است و دیده شده که همیشه از سوگ سیاوش با آه و ناله و اندوه یاد می‌کنند و «داغ سیاوشان»، در میان آنان معروف است.

در کنار شاهنامه، و به پیروی از سبک و بیان و گفتار آن، آثار گران‌بهایی چون: گرشاسپ‌نامه، بهمن‌نامه، فرامرزن‌نامه، کوش‌نامه، بانوگشسپ‌نامه، برزن‌نامه، شهریار‌نامه،

بیژن‌نامه، جهانگیرنامه و سام‌نامه سروده شده است که در گذر زمان، ارزش درخشش شاهنامه بر زوایای تاریک چنین حماسه‌هایی حفظ گردیده و سایه‌افکن شده است. حماسه‌های ملی ایرانی، آمیخته‌ای از اسطوره و تاریخ‌اند که انبوهی از داستان‌های پهلوانی و اساطیری را در بردارند و تأثیر شاهنامه بر چنین آثاری، در استمرار و نگهداشت زبان فارسی به‌عنوان ارزشمندترین عنصر هویت ایرانی، بسیار چشمگیر است و چنین آثاری به‌ویژه شاهنامه، توانسته‌اند که در حفظ و تقویت زبان، فرهنگ، دلاوری و تاریخ مشترک ایرانیان، سهم بارزی داشته باشند و این حرکت تاریخی و فرهنگی را استمرار بخشند. «فردوسی با شاهنامه، بهشتی از آرزوهای انسانی، با ملتی سراسر نیکی و نیک‌بختی و دشمن‌پلیدی‌ها و تباهی‌ها و هرگونه مظاهر اهریمنی، و با فرهنگی گسترده و درخشان آفریده، و این همه را به شیوه‌ای هنرمندانه و به زبانی استوار و شیرین، ساده و رسا و همه‌کس‌فهم، بیان کرده است. زبانی که در پرتو نبوغ فردوسی، بخت جاودانگی یافته، و در طی هزار سال، پایه و پشتوانه زبان ملی مردم این سرزمین گردیده است» (ریاحی، ۱۳۷۶: ۲۱). در نتیجه، آثار حماسی ملی ایرانی، بر ستیغ غرور تاریخ و فرهنگ ما ایستاده‌اند و همه در این غرور، غوطه‌وریم و بر خود می‌بالیم که حماسه‌ساز و حماسه پردازیم و این آثار به‌ویژه شاهنامه، ستبرترین ستون زبان فارسی هستند. بنابراین، گردآوری، تطبیق و مستندسازی گویش‌های ایرانی در برابر چنین آثاری، به بارور ساختن زبان فارسی و آشکار نمودن زوایای تاریک واژگان چنین متونی کمک می‌کند و افزون بر آن، به‌وسیله پیوند بین گویش‌ها و آثار حماسی ملی ایران، می‌توان به معنای درست و بایسته برخی از واژه‌های نادر و مبهم به‌کاررفته در متون ادب فارسی به‌ویژه این آثار که باروح فرهنگ و ساختار اجتماعی مردمان اصیل ایران تطبیق می‌کند، پی برد و همچنین، فرصت مناسبی است که بدین‌وسیله در واژه‌های فارسی، دگرگونی‌های نوی پدید آید.

«تقدّم و قدمت و شکوه و عظمت تمدن ایرانی، از اهمیّت تاریخی و فرهنگی همتهای باستانی و جدید خود فرومی‌کاهد و نشان می‌دهد که فرهنگ ایرانی، آکنده از توانایی‌هایی در اندیشه‌ها، ارزش‌ها و آرمان‌های بلند انسانی است. گذشته از این، فرهنگ ایرانی با داشتن یک عمق و پیشینه تاریخی قابل مقایسه با سایر فرهنگ‌ها، در بین آن‌ها می‌درخشد» (مارزولف، ۱۳۸۰: ۶).

بررسی ریشه‌شناسی واژه‌های مشترک گویش‌ها و آثار حماسی ملی ایران، نشان می‌دهد که این گویش‌ها، گنجایش بزرگی در زبان‌شناسی زبان‌های ایرانی دارند، از یک سو، گنجینه بی‌پایانی از واژگان کهن را در خود جای داده‌اند که بسیاری از آن‌ها در زبان فارسی کنونی نمی‌یابیم و در دیگر سوی، داده‌های این گویش‌ها به شناخت هرچه بهتر و بیشتر ساختار، ریشه‌یابی و ریخت‌شناسی برخی واژه‌های فارسی و آثار کهن ادب پارسی کمک می‌کنند.

در پایان، امید است که این کوشش اندک، در راستای شناخت برخی واژگان و آمیغ‌های حماسه‌های ملی ایرانی بتواند که آنی، درنگ اندیشمندان و دوستداران این آثار سترگ ایرانی را برانگیزاند.

۱۴۰۲ خورشیدی

کرم علیرضایی